

## وجوه پنجگانه فرامتنیت ژرار ژنت در رمان تنگسیر صادق چوبک

علی کشاورز قدیمی<sup>۱</sup>، جواد طاهری<sup>۲\*</sup> و لیدا نامدار<sup>۳</sup>

## چکیده

فرادهش متنی (فرامتنیت) مناسباتی است که متن را خواه به صورت آشکار و خواه به صورت پنهان، در ارتباط با دیگر متون قرار می‌دهد. فرامتنیت مورد نظر ژنت، سطح وسیع‌تری از بینامتنیت کریستیوایی است. کارکرد بینامتنیت آن است که تصورات رابطه‌ای بودن، ارتباط بینابینی و وابستگی متقابل در حیات فرهنگی مدرن را برجسته می‌کند. واژه متن دال بر یک بافته، یک بافت درهم تنیده است و از این رو بینامتنیت، وابسته به انگاره‌های شبکه‌توری، بافت، و جامه‌ای متنی درهم تنیده از تار و پود از پیش نوشته‌ها و از پیش خواننده‌هاست. بنابراین هر متنی معنای خود را از رابطه دیگر متون به دست می‌آورد که به شیوه‌های گوناگونی می‌تواند ترسیم شود. صادق چوبک؛ نویسنده‌ای خلاق و آشنا با اصول و تکنیک‌های نوین داستان‌نویسی آگاهانه و ناخودآگاه در رمان تنگسیر از شبکه‌های متنی پیچیده و مختلفی بهره برده است. هدف از پژوهش بررسی و تحلیل وجوه پنجگانه فرامتنیت ژنت در رمان تنگسیر صادق چوبک است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از وجوه پنج‌گانه نظریه فرامتنیت ژنت، پیرامتنیت و زبرمتنیت در رمان تنگسیر بسامد قوی‌تری داشته و از دیگر وجوه برجسته‌تر است.

**کلید واژه‌ها:** نظریه ژنت، فرامتنیت، رمان تنگسیر، پیرامتنیت، زبرمتنیت.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، خدابنده، ایران. **akg1356@yahoo.com**      **09128800752**

<sup>۲</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ابهر، ایران. (نویسنده مسئول) **j.taheri22h@gmail.com**      **09123814894**

<sup>۳</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، خدابنده، ایران. **namdar.lida@gmail.com**      **09122425408**

## ۱- مقدمه

این ایده که ما به هنگام خواندن یک اثر ادبی در پی یافتن معنایی هستیم که در درون اثر جای دارد اکنون ایده‌ای کاملاً متعارف به نظر می‌رسد. متون ادبی خود واجد معنایی هستند و خوانندگان این معنا را از آن متون اخذ می‌کنند. این فرآیند اخذ معنا از متون را ما خوانش یا تاویل می‌نامیم. اما چنین ایده‌هایی، به‌رغم بدیهی بودن ظاهری‌شان، در نظریه ادبی و فرهنگی معاصر اساساً به چالش کشیده شده‌اند. روی هم‌رفته، آثار ادبی براساس نظام‌ها، رمزگان‌ها و سنت‌های ایجاد شده توسط آثار ادبی پیشین بنا می‌شوند. نظام‌ها، رمزگان‌ها و سنت‌های دیگر اشکال هنری و در کل، نظام‌ها، رمزگان‌ها و سنت‌های فرهنگی نیز در شکل‌گیری معنای یک اثر ادبی اهمیتی اساسی دارند. نظریه‌پردازان مدرن متون، خواه متون ادبی و خواه متون غیرادبی، را فاقد هرگونه معنای مستقل می‌دانند. متون در واقع متشکل از همان چیزی هستند که نظریه‌پردازان اکنون آن را امر بینامتنی می‌نامند. نظریه‌پردازان مدّعی‌اند که، عمل خوانش ما را به شبکه‌ای از روابط متنی وارد می‌کند. تاویل کردن یک متن، کشف کردن معنا یا معانی آن، در واقع ردیابی همان روابط است. بنابراین، خوانش به صورت یک فرایند حرکت میان متون درمی‌آید. معنا نیز به چیزی بدل می‌شود که میان یک متن و همه دیگر متون مورد اشاره و مرتبط با آن متن موجودیت می‌یابد؛ و این برون‌رفت از متن مستقل و ورود به شبکه‌ای از روابط متنی است: متن به بینامتن بدل می‌شود. کارایی اصطلاح بینامتنیت در آن است که تصوّرات رابطه‌ایی بودن، ارتباط بینامتنی و وابستگی متقابل در حیات فرهنگی مدرن را برجسته می‌کند. نظریه‌پردازان اغلب مدّعی‌آن‌اند که، در دوره پسامدرن، دیگر امکان سخن گفتن از اصالت یا یکتایی اثر هنری خواه یک نقاشی و خواه یک رمان، وجود ندارد چرا که آثار هنری همگی به صورتی بسیار آشکار سرهم‌بستی از خرده‌ها و پاره‌های هنر از پیش موجودند. بینامتنیت، به عنوان یک اصطلاح، در محور این‌گونه برداشت‌های معاصر از هنر، و فراوری فرهنگی به‌طور کل، جای می‌گیرد. همان‌گونه که بارت یادآور می‌شود: «واژه متن، اگر که معانی اصلی‌اش را به یاد آوریم، دال بر یک بافته، یک بافت درهم تنیده است.» (بارت، ۱۹۷۷، ۱۵۹) هم‌چنان که بارت بحث می‌کند، ایده متن، و از این‌رو بینامتنیت، وابسته به انگاره‌های شبکه‌توری، بافت، و جامه‌ای درهم تنیده از تار و پود از پیش نوشته‌ها و از

پیش خواننده‌هاست. بنابراین، هرمتنی معنای خود را از رابطه با دیگر متون می‌گیرد. (ن.ک: آلن، ۱۳۸۰: ۱۱).

بینامتنیت حضور هم‌زمان یک یا چند متن در متنی دیگر است. این نظریه که ناظر بر تنیدگی متون و شبکه‌های پیچیده متنی است و نویسنده به صورت آگاهانه و ناآگاهانه در متن از آن بهره می‌جوید اولین بار توسط جولیا کریستوا به تأثیر از نظریه چندصدایی میخائیل باختین<sup>۱</sup> نویسنده فرم‌گرای روسی در آثار داستایوفسکی مطرح گردید و سپس ژرار ژنت آنرا در سطح مطالعات گسترده‌تری در پنج مقوله تقسیم‌بندی نموده و آنرا فرامتنیت نامید. سنخ اول این تقسیم‌بندی، بینامتنیت است که خود بر دو نوع است. نوع اول از بینامتنیت فراخوانی مرجع متن است. در این نوع، نویسنده با قرار دادن متن اقتباس شده در داخل گیومه، مرجع آنرا برای خواننده فراخوان داده است، اما نوع دوم، چنین نیست و نویسنده بنا بر دلایلی تمایل ندارد مرجع متن را فراخوان دهد. سنخ دوم از تقسیم‌بندی پنج‌گانه ژنت، پیرامتنیت است. پیرامتنیت دلالت‌های ضمنی یا رمزگان‌هایی است که جهت‌دهی را برای خواننده برعهده دارند و در آستانه یا درگاه داستان قرار گرفته، خواننده را به متن اصلی راهنمایی و دلالت می‌دهد. سنخ سوم از تقسیم‌بندی ژنت، ورامتنیت است؛ دو متن به شکلی به هم گره می‌خورند که از متن غایب یا پیشین، نامی به میان آورده نمی‌شود. سنخ چهارم، سرمتنیت است؛ رابطه و مناسبات متن با ژانرها و خرده ژانرها مورد نظر است. این ارتباط گاه به صورت عنوان فرعی بدان افزوده شده است. سنخ پنجم که زبرمتنیت است اتحاد دو متن بدون تفسیر هم‌دیگر است یعنی متن ب همان متن الف نیست. اتحاد این دو متن به شکلی است که هم دیگر را تفسیر نمی‌کنند.

#### ۱ ۴ سوال پژوهش

فرامتنیت ژنت در رمان تنگسیر صادق چوبک چگونه خود را نشان داده است؟

<sup>۱</sup> - میخائیل باختین در عرصه روش، اسلوبی دیالکتیکی دارد. او مهم‌ترین اندیشه‌گر شوروی در عرصه علوم انسانی و بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز ادبیات در قرن بیستم است. (پوینده، ۱۳۷۳: ۱۱)

## ۱ ۴ هدف پژوهش

هدف از پژوهش بررسی و تحلیل فرادش متنی یا فرامتنیت ژنت در مان تنگسیر صادق چوبک است در این پژوهش متونی را که چوبک در مان تنگسیر از آن‌ها به صورت آشکار و پنهان استفاده کرده است مورد واکاوی قرار گرفته است.

## ۱ ۴ - روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای است.

## ۱ ۴ - پیشینه پژوهش

بینامتنیت در مان تنگسیر صادق چوبک پیش از این نیز مورد توجه پژوهش‌گران و تحلیل‌گران ادبی بوده است. برای نمونه، تحلیل‌های سودمند دکتر حسین پاینده و دکتر رضا براهنی که مد نظر این پژوهش هم بوده است. همچنین مقاله «تحلیل و بررسی دلالت‌های ضمنی مان تنگسیر» (۱۳۹۷) نوشته غلامرضا سالمیان که از طریق نشانه‌شناسی و دلالت‌های ضمنی به لایه‌های زیرین متن تنگسیر دست یافته که از مطالب ارزشمند این مقاله نیز به دلیل ارتباط با پژوهش حاضر برداشت قابل توجهی شده است. مقاله دیگری با نام «بررسی تطبیقی تنگسیر اثر چوبک و پیرمرد و دریا اثر همینگوی با تکیه بر مسأله خلاقیت ادبی» (۱۳۹۹) نوشته محمدرضا نجاریان است که از تکنیک‌های بومی‌سازی چوبک به واسطه خلاقیت و میزان تأثیرپذیری او از رمان‌نویسان غربی به ویژه رمان‌های آمریکائی و شباهت‌های این رمان با رمان پیرمرد دریا اثر همینگوی، به مطالعه تطبیقی پرداخته است اما وجه‌تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در این است که پژوهش پیش رو برای نخستین بار مناسبات بیامتنی تنگسیر را براساس فرامتنیت<sup>۱</sup> ژنت مورد واکاوی قرار داده است.

<sup>۱</sup>-trnsexuality

## ۱ - چارچوب نظری

## ۱-۲- نظریه ژنت

ژنت مطالعات وسیع خود را در حوزه بینامتنیت گسترش داده، آن را در پنج سنخ، تقسیم کرده که عبارتند از:

## ۱-۱-۲- بینامتنیت: «حضور هم‌زمان دو متن یا چندین متن و حضور بالفعل یک متن در متنی

دیگر؛ به عبارتی بخشی از یک متن در متن دیگری وجود داشته باشد.» (Gennete, 1997: 1)

## ۱-۱-۲- پیرامتنیت: «عناصری هستند که در سطرهای آغازین متن که آستانه یا درگاه است

قرار گرفته، وظیفه جهت‌یابی را برای خوانندگان برعهده دارد. این آستانه شامل یک درون متن است و عناصری مانند عناوین اصلی، عناوین فصل‌ها، درآمدها و پی‌نوشت‌ها را شامل می‌شود. و یک برون متن که عناصری مانند مصاحبه‌ها، آگهی‌ها، نقد و جواب‌های آن، نامه‌های خصوصی و دیگر موضوعات مرتبط با اثر و مؤلف است.» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۵).

## ۱-۱-۳- ورامتنیت: «ورامتنیت یک متن مفروض را با متنی دیگر متحد می‌کند به گونه‌ای که

این متن مفروض بدون اجباری به نقل کردن (بدون فراخوان) و در واقع گاه حتی بدون نام بردن، از آن متن دیگر سخن می‌گوید.» (Gennete, 1997: 4)

## ۱-۱-۴- سرمتنیت: «که به بررسی ارتباط یک اثر با سایر ژانرها، خرده ژانرها یا قراردادهای

می‌پردازد. برای مثال ارتباط یک رمان با ژانر گوتیک را در بر می‌گیرد. البته برخی از متون، روابط سرمتنی خود را با ژانرها کتمان می‌کنند. مانند رمان‌های واقع‌گرا، اما ژنت معتقد است «این جنبه از متن به انتظارات خواننده و از این رو دریافت او از یک اثر مربوط می‌شود.» (همان: ۵)

## ۱-۱-۵- زیرمتنیت: «به اعتقاد ژنت «متضمن هر گونه مناسبتی است که متن ب (که آن را

زیرمتن خواهیم نامید) را با متن پیشین الف (که آن را زیرمتن خواهیم نامید) متحد کند. شیوه پیوند این دو چنان نیست که متن ب تفسیر متن الف باشد.» (همان: ۵).

## ۲ - بحث و بررسی

## ۱-۳- بینامتنیت

بر اساس نظریه ژنت بینامتنیت حضور متنی در متن دیگر است که متون از طریق شبکه‌های متنی به صورت آشکار و پنهان با هم دیگر اتصال دارند. در این شبکه‌ها گاهی نویسنده می‌کوشد مرجع آن‌را برای خوانندگان فراخوان دهد در این صورت متن اقتباس شده را داخل گیومه قرار می‌دهد که نوع اول بینامتنیت است. گاه نیز نویسنده بنا به دلایلی تمایل ندارد متون اقتباس شده را از طریق گیومه فراخوان دهد که نوع دوم بینامتنیت است. ژنت: «نخستین نوع فرامتنیت را بینامتنیت نامیده است. بینامتنیت ژنت به مفهومی که در پساساختارگرایی به کار رفته مطرح نیست، زیرا او این بینامتنیت را به مناسبت هم‌حضور میان دو متن یا بین چندین متن و به عنوان حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر فرو می‌کاهد. بازتوصیف ژنت مناسبت بینامتنی بسیار پراگماتیک و تعیین‌پذیر میان عناصر خاصی از متون مجزا را مطرح می‌کند.» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۴۶) با این تعاریف در اثبات سنخ‌اول تقسیم‌بندی ژنت رد پای سایر متون در رمان تنگسیر به چشم می‌خورد که نمونه آن‌را در متن زیر مشاهده می‌کنیم:

دلا پوشم زه هجرت جامه نیل	نهم داغ غمت چون لاله بردیل
دم از مهرت زنم هم‌چون دم صبح	از این دم تا دم صور سرافیل
نمی‌پرسی زیار دل فگارت	که واکیان گذشت باغ بهارت
ته یادمو در این مدت نکنی	ندانم واکیان بی سر و کارت
به صحرا بنگرم صحرا ته وینم	به دریا بنگرم دریا ته وینم
به هرجا بنگرم کوه و در و دشت	نشان از قامت رعنا ی ته وینم

(چوبک، ۱۳۸۲: ۲۶-۲۵)

در حضور هم‌زمان دو متن یا چندین متن و حضور بالفعل متنی در متن دیگر باید به قسمتی از رمان تنگسیر اشاره کرد که زن قاسم در گورستان در فراق از دست‌دادن همسر، شروه‌خوانی کرده است. در این بخش از رمان، زن قاسم دوبیتی‌هایی از بابا طاهرعریان را زمزمه می‌کند که شاعر آن متعلق به قرن پنجم هجری است. صادق‌چوبک در اصل با قراردادن این دوبیتی‌ها در داخل گیومه

مرجع این متن را فراخوان داده است. چوبک با این روش خواننده را به شاعر این ابیات که همان بابا طاهر همدانی است دلالت داده است.

در بخش دیگری از رمان تنگسیر شکل دوم بینامتنیت نمود برجسته‌ای دارد. در اثبات نوع دوم که حضور هم‌زمان متنی در متن دیگر بدون فراخوانی مرجع است، به بخش‌هایی از رمان تنگسیر می‌رسیم که زائر محمد برای گرفتن حق خود، صبح زود با اسلحه، سراغ آن چهارنفری رفته که حقش را پایمال کرده‌اند؛ آن بخش از داستان که زائر محمد صبح اول وقت به مغازه حاج اسماعیل صراف می‌رود و بحث و جدل‌هایی که میان آن دو رخ داده اتصال یا شبکه متنی است، اما از طرف چوبک، نویسنده آن‌ها فراخوان داده نشده است. می‌توان گفت حتی شکل عبارات و جملات میان دو اثر داستان شیرمحمد و تنگسیر دقیقاً یکسان است: «برشیطون لعنت! دیشو خو دیدم که دیوار خلا روم خراب شده بود، حالا صب اول دشتی تعبیر شد، لعنت خدا بر شیطون حرمزاده. تو بازم اومدی؟ این صب اول صب از جونم چه می‌خوای؟» (چوبک، ۱۳۸۲: ۷۹-۸۰) در روایت رسول پرویزی، حاج اسماعیل صراف به هنگام مواجهه با زار محمد می‌گوید «لاله الاالله! دیشب خواب دیدم دیوار خلا رویم خراب شد، اول صبح تعبیر شد. تو رویم افتادی! لعنت خدا بر شیطان! به حرمگس معرکه لعنت! بابا بگذار کاسی کنم.» (پرویزی، ۱۳۸۹: ۵۹) با این توضیحات به نظر می‌رسد چوبک نیاز ندیده که مرجع را برای مخاطب فراخوان بدهد. شاید بتوان دلیل این امر را طور دیگری دانست؛ به نظر چوبک در آستانه یا درگاه رمان تنگسیر توصیف‌ها، تشبیه‌ها و رمزگان‌هایی برای دلالت و هدایت مخاطب وجود دارد و دیگر نیاز نیست در جای‌جای متن این فراخوانی صورت پذیرد.

## ۲-۳- پیرامتنیت

پیرامتن‌ها عناصری هستند که در آستانه یا درگاه متون قرار گرفته و آن‌را برای خوانندگان جهت‌دهی می‌نمایند. در اصل این آستانه‌ها از رمزگان‌هایی تشکیل شده است که خواننده برای درک و فهم بهتر متون باید آن‌ها را رمزگشایی نماید. به عبارتی این رمزهای آغازین همان راهنما یا دلالت‌های متنی است. ژنت معتقد است: «پیرامتن نشان‌گران عناصری است که در آستانه متن

قرار گرفته و دریافت یک متن از سوی خوانندگان را جهت‌دهی و کنترل می‌کنند. این آستانه شامل یک درون‌متن (peritext) است که عناصری چون عناوین، عناوین فصل‌ها، مقدمه‌ها و پی‌نوشت‌ها را در برمی‌گیرد؛ و نیز شامل یک برون‌متن (epitext) است که عناصر بیرون از متن مورد نظر نظیر مصاحبه‌ها، آگهی تبلیغاتی، نقد و نظرات منتقدان و جوابیه‌های خطاب به آنان، نامه‌های خصوصی و دیگر مباحث مولفانه یا ویراستارانه را در برمی‌گیرد. پیرامتن حاصل جمع درون‌متن و برون‌متن است.» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۴۹) بر همین مبنا رمزگان‌ها را در آستانهٔ رمان تنگسیر تاویل می‌کنیم تا به روشنی معنا و مفهوم این نشانه‌ها مشخص گردد. در تاویل و خوانش این رمان، نخستین رمزگان، واژهٔ «تنگسیر» است. در اصل عنوان کتاب برگرفته از محتوای اثر و درون‌مایهٔ آن است. عصاره یا چکیده‌ای از کل داستان است که به اختصار بیان گردیده، خود راهنما یا دلالت‌متنی است. در وجه تسمیه یا عنوان تنگسیر آمده است که به ساکنان شهرستان تنگستان که در جنوب شرقی استان بوشهر ساکن هستند گفته می‌شود. معمولاً این اقوام در تاریخ به دلاوری و شجاعت زیادی شهرت دارند. ظلم‌ستیزی، درگیری با بیگانگان از جمله استعمارگران انگلیس، پرتغال و هلند از ویژگی‌ها و صفات بارز قهرمانان این سرزمین است. عنوان تنگسیر و تنگستان با نام شجاعت‌ها و دلاوری‌های رئیس‌علی دلواری گره و پیوند اساسی خورده است. (ن.ک: سالمیان، ۱۳۹۷: ۵۵-۷۳) پس ارتباط این عنوان با سایر بخش‌های داستان نیز بسیار تنگاتنگ بوده و مناسبات متنی بسیاری ایجاد کرده است؛ حماسه‌های مردمان جنوب علیه استعمار از این عنوان و درون‌مایهٔ آن نشأت گرفته است که خود به نوعی جهت‌یابی متنی است. چوبک با آوردن نام تنگسیر، حوادث داستان خود را با آن گره می‌زند. او قصد قهرمان‌سازی و ایجاد حماسه‌ای دیگر دارد: «نگاهی به پرچم انگلیس که شق و رقّ رو دکل دیلاکش تو آسمان نیلی موج می‌خورد، انداخت و صورتش تو هم رفت و رو زمین تف کرد و تف از دهنش بیرون نیفتاد. چن‌ساله که من این بیرق رو همین جور می‌بینم که هیچ وقت نمیدارن کهنه بشه و آفتاب رنگ و روش ببره؟ عوضش بیرق خودمون که رو امیریه زدن آفتاب رنگ روش برده و سفید سفیدش کرده. حالا دلم می‌خواد رئیس‌علی سر از گور در بیاره ببینه چه خبره! هنوز خون جوونای تنگسیر تو نخلستونای تنگ خشک نشده. خدا می‌دونه چقد تنگسیر کشته شد. مگه ما کم ازشون کشتیم؟ خودم پونزده تا کشتم. چه آدم نازینی بود رئیس‌علی که خدا نور تو قبرش بباره.» (چوبک، ۱۳۷۷: ۱۶)



دومین نشانه یا رمزگان در آستانهٔ رمان تنگسیر، درخت کنار مهناست؛ «درختی در یکی از جزایر خلیج فارس به نام جزیرهٔ مهنا که توسط مردمان آن شهر به یاد میرمهنای بندرریگی کاشته شده است. میرمهنا اهل بندر ریگ از توابع گناوه در استان بوشهر است. او در زمان کریم خان زند شجاعانه و دلاورانه با استعمار انگلیس، پرتغال و هلند جنگید و کاروان‌های آنان را متلاشی می‌کرد و دارائی‌های آنان را بین مردمان خود تقسیم می‌کرد. دولت مرکزی را قبول نداشت و در دو جبهه درگیر بود. در پایان، با شکستی که متحمل شده به بصره گریخت و توسط حاکم آنجا اعدام می‌شود. قداست درخت مهنا نشان می‌دهد مردم جنوب برای این درخت جنبهٔ اسطوره‌ای و قدسی قائلند. به همین علت از نظر آنان این درخت نظر کرده است و شفا می‌دهد. لذا به این درخت دخیل می‌بندند تا حاجت‌هایشان برآورده شود. (ن.ک: پاینده، ۱۳۹۲: ۶۲) «کنار مهن‌گرد گرفته و سوخته و خاموش با برگ‌های ریز و تیغ‌های خنجری‌اش برزخ و خشمگین کنار جاده نشسته بود. همه می‌دانستند که این درخت، نظر رده است و هر کس از پهلوی آن می‌گذشت، چه روز و چه شب، بسم‌اللهی زیر لب می‌گفت و آهسته رد می‌شد. این کنار خانه اجنه و پریان بود که خیلی از مردم بوشهر قسم می‌خوردند که عروسی و عزای پریان را در میان شاخه‌های آن به چشم دیده بودند.» (چوبک، ۱۳۷۷: ۵-۶)

سومین نشانه که دلالت متنی است آوردن مکان «بوشهر- بهمنی- دواس» است که هر سه شهر در تاریخ معاصر ایران به ظلم‌ستیزی شهرت داشته، سوابق مبارزاتی طولانی با استعمارگران و بیگانگان دارند. انتخاب این مکان‌ها در آستانهٔ داستان توسط چوبک تمهید یا مقدمه‌چینی برای یک آغازبندی حماسی است. کنار هم قراردادن این آلمان‌ها ایجاد یک شبکهٔ متنی است. بوشهر و دلاوری‌های مردمان جنوب در کنار قهرمانان خود میرمهنای بندرریگی، رئیس‌علی دلواری و یارانش مناسبات متنی است که با زار محمد رمان تنگسیر ایجاد کرده است. انتخاب شهر دواس که در زبان عربی به معنای شیر است برای سکونت زار محمد بی‌ارتباط با نام شیرمحمد نیست. چوبک با این روش قصد خلق قهرمانی جدید از این سرزمین شیربیشه و دلاور محور را دارد او برای زار محمد شبکه‌ای متنی ایجاد کرده که با کنار هم گذاشتن این نشانه‌ها شخصیت زار محمد را با قهرمانان خطه جنوب پیوند می‌زند. در این مدخل، چوبک با قراردادن نام «تنگسیر»، «کنار مهنا»، «بوشهر»،

«بهمنی»، «دواس»، «رئیس علی دلواری» «زارمحمد»، در سطرهای آغازین داستان، پیرامتنیت ژنت را در ذهن تداعی می کند؛ یعنی وقتی خواننده به رمزگشائی از این نام نشانه می پردازد به میرمهنای دوغابی (بندرریگی) دلالت داده می شود که در سال ۱۱۱۴ خورشیدی در زمان پادشاهی کریم خان زند در بندر کوچکی از توابع بندر گناوه در استان بوشهر به بنام بندرریگ به دنیا آمده است. میرمهنای از سرداران مبارز دیار خطه جنوب کشور و حکمرانان جنوب ایران بود که با هلندی ها و انگلیسی ها در خلیج فارسی جنگید و مهم ترین کار او شکست و بیرون راندن آنان از جزیره خارک بود و در سال ۱۱۸۲ هجری قمری به شهادت رسید. (ن.ک. سالمیان، ۱۳۹۷: ۵۵-۷۷).

از سوی دیگر چوبک از همان سطرهای آغازین رمان تمهید یا مقدمه چینی کرده است که با آوردن نام مهنای قهرمان دیگری مانند او برای داستان تنگسیر بیافریند که بار مسئولیت های دلاوران این خطه را برعهده او بگذارد. این شخصیت کسی نیست جز زائر محمد که از طریق تیپ سازی پس از طی مراحل و ماجراجویی ها به شیرمحمد لقب یافته است. چوبک ویژگی ها و صفاتی که برای میرمهنای بندرریگی و رئیس علی دلواری بوده است را به شخصیت رمان خود زائر محمد اختصاص داده است.

### ۳-۳- ورامتنیت

ورامتنیت تلفیق یا اتحاد دو متن با هم دیگر است که نامی از متن پیشین به میان آورده نشده باشد. در این شیوه متنی مفروض واقع شده تا متن دیگری، خلق شود و تنیدگی متون با یکدیگر بدون فراخوانی مرجع است. از نظر ژنت: «ورامتنیت (metatextuality) است؛ یعنی، هنگامی که یک متن در رابطه ای تفسیری با متن دیگر قرار می گیرد ورامتنیت یک متن مفروض را با متنی دیگر متحد می کند، که بدون الزاماً نقل کردن بدون فراخوانی، و در واقع گاه حتی بدون نام بردن، از آن سخن می گوید.» (ژنت، چ ۱۹۹۷: ۴)

نمونه روشن ورامتنیت در رمان تنگسیر به صورت ساختاری با دو متن اتحاد یافته است که سطرهای زیر است: نمونه اول داستان شیرمحمد رسول پرویزی است. اتحاد دو متن به گونه ای است که وقتی دو اثر کنار یکدیگر قرار می گیرند از نگاه خواننده مبتدی یکی است ولی از

منظر خواننده حرفه‌ای این‌طور نیست. چوبک با نگاهی جدید به آفرینش هنری پرداخته است. در این رمان چوبک این اتصال و شبکه‌های متنی را طوری به هم تنیده که نامی از اثر و نویسنده آن که رسول پرویزی است به میان آورده نشده است. این همان اتحاد دو متن بدون فراخوانی است که از منظر ژنت ورامنتیت خوانده شده است.

متن دومی که می‌توان بدان اشاره کرد داستان پیرمرد و دریا نوشته ارنست همینگوی است. سبک نوشتاری چوبک نشان می‌دهد که تاثیر زیادی از نویسندگان غربی از جمله ارنست همینگوی؛ نویسنده آمریکائی گرفته است او با خلاقیت هنری خود از تلفیق فنون و روش‌های جدید داستان‌نویسی به بومی‌سازی این روش رسیده است. در رمان تنگسیر چنانچه متن مفروض را بخشی از داستان پیرمرد و دریا نوشته ارنست‌همینگوی فرض کنیم آن قسمت از داستان که پیرمرد پس از هشتاد و چهار روز بدشانسی، دوباره دل به دریا می‌زند و پس از تحمل رنج و سختی‌های فراوان نیز ماهی بزرگی صید می‌کند دقیقاً شبکه‌های متنی است که با رمان تنگسیر اتحاد یافته است. در این متن‌ها چالش‌های پیرمرد و زارمحمد وسط دریا با کوسه ماهی یا بمبک یکی است که نمونه‌ها را در هر دو رمان مشاهده می‌کنیم: «ای ماهی، ای نیم‌ماهی، کاش هیچ‌گاه نگرفته بودمت. زندگی ما دچار چنین ظلمیست. یک فراق وصال ابدی. یک رسیدن و نرسیدن توامان. نوعی به‌دست‌آوردن و از دست‌دادن همیشگی و حرص و ولع به چنگ‌آوردن و ولنگارانه وادادن. همیشه آن‌چه که به دست می‌آید، پیشاپیش از دست رفته است. همیشه این آن چیزی نبود که می‌خواستیم بر ذهنمان سیطره می‌یابد. همیشه شور و حرارت ما تلخ و سرد می‌شود. چه سراب باشد چه آب، تشنگی فقط موقتاً رفع خواهد شد. همیشه ماهی که صید می‌کنیم یک نیم‌ماهی لعنتی است» در خوانش و تاویل تنگسیر نیز آن قسمت از داستان که زائر محمد بعد از کشتن چهارنفری که با هم‌دستی پول او را از چنگش درآورده بودند دل به دریا می‌زند و در وسط آب دریا با بمبک یا کوسه‌ماهی درگیر می‌شود تا با غلبه‌کردن بر سمبل زیاده‌خواهی و عدالت‌ستیزی که همان کوسه‌ماهی یا بمبک است بر حوادث سخت روزگار غلبه کند و زندگی را به چالش بکشد. تک‌گویی‌های زارمحمد با کوسه‌ماهی رابطه ورامنتی است. (ن.ک: نجاریان: ۱۳۹۹: ۳۷)

با توضیحات بالا، در مان تنگسیر به دو متن مفروض رسیده‌ایم که هر یک از این متن‌ها با مان تنگسیر به شکلی اتحاد یافته‌اند و نامی از آن‌ها توسط چوبک به میان آورده نشده است. نخست، متن داستان شیرمحمد رسول پرویزی است که دکتر رضا براهنی هم مقدم بودن آن‌را تصدیق کرده است و دومی، متن داستان پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی آمریکایی است.

#### ۴-۳- سرمتنیت

سرمتنیت رابطه متن با ژانرها، ژانرهای فرعی و خرده ژانرها است. در این وجه ارتباط مان با انواع یا گونه‌ها مشخص شده است. گاهی این وجه با افزودن عنوان فرعی در بعضی از متون قابل تشخیص و گاهی نیز این رابطه پنهان و مخفی است. به اعتقاد ژنت: «این جنبه از متن باید به انتظارات خواننده، و از این‌رو دریافتشان از یک اثر است (همان: ۵) «برخی مان‌ها رابطه سرمتنی خود با برخی ژانرها، ژانرهای فرعی، یا قراردادهای فرعی با افزودن یک عنوان فرعی به روشنی مشخص می‌کنند و پاره‌ای از متون روابط سرمتنی خود با چنین ژانرها را کتمان می‌کنند.» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۴۹) در پیش از هر چیز، باید تعریف دقیقی از ژانر داشته باشیم. ژانر واژه‌ای فرانسوی به معنای تیپ، نوع، دسته و جنس است. چارچوبی است که محتوی اثر در آن جای گرفته است و به روایی و غیرروایی تقسیم می‌شود. هر ژانر دارای ویژگی‌هایی مشترکی است که مخاطب و نویسنده بر اساس آن، از اثر، شناخت پیدا می‌کند. با این تعاریف انواع ژانرهای داستانی عبارتند از علمی-تخیلی، ماجراجویی، عاشقانه، جنایی، هیجانی-معمایی، وحشت. از این رهگذر مان تنگسیر در چارچوب ژانر ماجراجویی جای گرفته است و محتوی و مضمون آن با مشخصات و ویژگی‌های این نوع ادبی مطابقت دارد. تیپ‌سازی و الگوبرداری از قهرمانان مبارزی چون میرمهنای بندرریگی و رئیس علی دلواری نشانه‌هایی از دلالت‌های ضمنی است. اتصال شخصیت زارمحمد به قهرمانان و دلاوران خطه جنوب (بوشهر- دواس) و تصویرهای درستی که چوبک از قهرمان خود در طول داستان به خواننده ارائه داده در قالب ژانر ماجراجویی است. از سوی دیگر بخش پایانی زندگی زارمحمد به اسطوره یا کهن‌الگو شباهت بیش‌تری دارد. در فرجام این داستان شیرمحمد زن و فرزند خود را داخل بلم و قایق چوبی سوار کرده، پارو زنان به صورت آرام از نظرها دور می‌شود و از آب می‌گذرد که این شکل از پایان‌بندی بیش‌تر به زندگی زرتشت، فریدون، کی‌خسرو، موسی

شبهات دارد. (ن.ک. قائمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۲) از این رو رابطه این رمان با ژانرها و خرده ژانرها به صورت مخفی و پنهان است زیرا از همان ابتدا عنوان فرعی بدان افزوده نشده است. اگرچه در خوانش تنگسیر ارتباط این اثر با ژانر ماجراجویی کاملاً مشهود است، اما چوبک بنا به دلایلی این رابطه را کتمان کرده است. شرح شجاعت‌ها و دلاوری‌های زائر محمد و حوادثی که پشت سر گذاشته و تصویرهای درستی که چوبک از قهرمان داستان خود به مخاطب ارائه داده است مانند مبارزه با انگلیسی‌ها در کنار رئیس‌علی دلواری، دلالت به دلاور جنوب میرمهنّا، مبارزه با ظلم، ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی، گرفتن ورزای سکینه در نخلستان، درگیری با کوسه‌ماهی یا بمبک، اندام‌ورزیده و هیکل‌تنومند، نترس‌بودن، سخت‌کوشی و خستگی‌ناپذیری، روحیه مبارزه‌طلبی، همسر دوستی، قانع‌بودن، شاخصه‌هایی از ژانر ماجراجویی است.

### ۵-۳- زیرمتنیت

زیرمتنیت تداخل و هم‌پوشانی دو متن به صورت پنهان و آشکار است. به عبارتی وقتی که دو متن با یکدیگر اتحاد می‌یابند و درهم تنیده می‌شوند شبکه‌های متنی آن طوری است که متن اول متفاوت از متن دوم است. در این تعریف، متن اول زیرمتن و متن دوم زیرمتن نامیده می‌شود. این اصطلاح در تعریف ژنتی زیرمتنیتش *hypertextualit* است. این پدیده، به نظر ژنت: «متضمّن هرگونه مناسبی است که متن (ب) که آن را زیرمتن *hypertext* خواهم نامید را با متن پیشین (الف) که البته آن را زیرمتن *hypotext* خواهم نامید متحد کند، و شیوه پیوند این دو چنان نیست که متن (ب) متن (الف) باشد.» (ژنت، ۱۹۹۷: ۵) نمود این سنخ در رمان تنگسیر همان عنوان زیر متن از داستان شیرمحمد رسول پرویزی است. در این داستان تمام زیرساخت‌ها و عناصر داستانی با رمان تنگسیر مرتبط و یکی است. البته این ارتباط به معنی مشابهت دو اثر نیست. بلکه با تعاریف فوق می‌توان آن را به عنوان زیرمتن برای رمان تنگسیر فرض نمود. بر همین مبنا رمان تنگسیر به عنوان زیرمتن که همان متن (الف) است محسوب شده و داستان شیرمحمد رسول پرویزی به عنوان زیرمتن که همان متن (ب) است شناخته شده است. در این رابطه و مناسبت متنی چوبک با خلاقیت هنری خود با استفاده از متون دیگر دست به خلق اثری جدید و ماندگار زده است که به اعتقاد ژنت زیرمتنیت است؛ یعنی متنی است که مشخصاً از جمله سرچشمه‌های اصلی رمان تنگسیر به شمار می‌آید.

## نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد رمان تنگسیر دارای بافت درهم تنیده متنی و جامه‌ای از تار و پود است که شبکه‌توری آن تشکیل شده از پیش‌نوشته‌ها و پیش‌خواننده‌هاست. در این رابطه مناسبات میان متن‌ها به اشکال گوناگونی تبلور و ترسیم یافته که همان فرادش متنی است. در تقسیم‌بندی پنج‌گانه ژنت، چوبک با فراخوانی و کتمان مرجع متن که متون اقتباس شده را در داخل و بیرون گیومه قرار داده است به بینامتنیت نوع اول و دوم رسیده است. در سنخ دوم چوبک با قرار دادن رمزگان‌هایی مانند «تنگسیر، کنارمه‌نا، بوشهر» در آستانه یا درگاه داستان قصد راهنمایی و دلالت خواننده را به متن اصلی دارد که رمزگشایی از این نشانه‌ها همان جهت‌یابی متنی است و در اصطلاح پیرامتنیت خواننده شده است. در مقوله سوم که ورامتنیت است چوبک رمان تنگسیر را با دو متن شیرمحمد رسول پرویزی و پیرمرد و دریای ارنست همینگوی اتحاد داده است که این رابطه بدون نام بردن از اثر و نویسنده آن است که ورامتنیت گفته می‌شود. در این سنخ رابطه رمان تنگسیر با ژانرها و خرده ژانرها مشخص شده که رمان تنگسیر براساس ویژگی‌های داخلی در ژانر قهرمانی جای گرفته و رابطه سرمتنیت آن کتمان شده است. در سنخ پنجم که زبرمتنیت است اتحاد متن شیرمحمد رسول پرویزی با رمان تنگسیر بدون همانندی است. اگرچه ساختمان دو متن برای خواننده مبتدی یکی است، اما چوبک با خلاقیت هنری و نگاهی تازه بدان پرداخته که از نگاه خواننده حرفه‌ای متفاوت است. هم‌چنین نتایج نشان داده است که سنخ دوم و سوم نظریه ژنت که پیرامتنیت و ورامتنیت است در رمان تنگسیر بسامد قوی‌تری داشته است که این علت می‌تواند آگاهانه یا ناخودآگاه باشد.

فهرست منابع و مآخذ

الف - کتابنامه

- ۱ - آلن، گراهام، (۱۳۸۰)، *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزدانجو، چاپ اول، تهران: مرکز.
- ۲ - اسکولز، رابرت، (۱۳۷۹)، *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: آگه.
- ۳ - احمدی، بابک، (۱۳۷۰)، *ساختار و تاویل متن*، تهران: مرکز.
- ۴ - پوینده، محمد، (۱۳۷۳)، *سودای مکالمه، خنده، آزادی: میخائیل باختین*، تهران: آرست.
- ۵ - پرویزی، رسول، (۱۳۸۹)، *شلواریهای وصله‌دار*، چاپ اول، تهران: بهزاد.
- ۶ - پین، مایکل، (۱۳۷۹)، *بارت، فوکو، آلتوسر*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- ۷ - \_\_\_\_\_، (۱۳۸۰)، *لکان، دریدا، کریستوا*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- ۸ - تودورف، تزوتان، (۱۳۷۷)، *منطق گفتگویی میخائیل باختین*، ترجمه داریوش کریمی، تهران: مرکز.
- ۹ - چوبک، صادق، (۱۳۸۲)، *تنگسیر*، چاپ اول، تهران: نگاه.
- ۱۰ - قنبریان، سکینه، (۱۳۹۰)، *شرق بنفشه (تحلیل ساختاری و محتوایی)*، چاپ اول، تهران: فروزش.
- ۱۱ - محمودی، حسن، (۱۳۸۱)، *نقد و تحلیل و گزیده داستان‌های صادق چوبک*، چاپ دوم، تهران: روزگار.
- ۱۲ - نامور مطلق، بهمن، (۱۳۸۷)، *درآمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها*، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۱۳ - نوریس، کریستوفر، (۱۳۸۰)، *شالوده‌شکنی*، مترجم پیام یزدانجو، چاپ اول، تهران: شیرازه.

ب - مقاله و پایان‌نامه

- ۱۴ - رجبی، زینب، (۱۳۹۸)، «*تحلیل نگاره «یوسف و زلیخا» اثر کمال‌الدین بهزاد براساس نظریه ترامتنیت ژرار»*، *کیمیای هنر*، شماره ۳۲، صص: ۷۷-۹۵.

- ۱۵ - سالمیان، غلامرضا، (۱۳۹۷)، «تحلیل و بررسی دلالت‌های ضمنی رمان تنگسیر»، زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)، شماره ۳۰، صص: ۷۳-۵۵.
- ۱۶ - غیاثوند، مهدی، (۱۳۹۲)، «سیمای تاویل در آینه بینامتنیت کریستوایی»، حکمت و فلسفه، سال ۹، شماره ۳، صص: ۹۷-۱۱۴.
- ۱۷ - نجاریان، محمدرضا، (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی «تنگسیر» اثر چوبک و «پیرمرد و دریا» اثر همینگوی با تکیه بر مسأله خلاقیت ادبی»، پانزدهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی.